



- مقدمه - تمهیدات تربیتی..... ۲
۱. اقدامات عام تربیتی..... ۲
۲. تمهیدات تربیتی بالنسبه متربی..... ۳
- الف. عدم تَکَوُّن عقلی متربی..... ۳
۱. در مرحله ازدواج و قبل از حمل..... ۳
۲. در دوره ای از حمل..... ۳
- ب. عدم تَفْطُن متربی..... ۳
۳. مرز بین تمهیدات تربیتی و تربیت..... ۴
- جمع بندی..... ۴
- تربیت به معنی عام و خاص..... ۵
۴. نقش تمهیدات تربیتی در سیستم‌های تربیتی..... ۵
- تمهیدات تربیتی ویژه اسلام..... ۶
۵. عادت و تلقین..... ۶
۶. تمهیدات فردی و اجتماعی..... ۷
۷. تأثیر نظامات مختلف در تمهیدات تربیتی..... ۸
۸. تقسیمات تمهیدات تربیتی..... ۹



مقدمه - تمهیدات تربیتی

در مسئولیت‌های تربیت خانوادگی، ما یک تمهیدات داریم به همان مفهومی که عرض کردیم که این تمهیدات به این مراحل تقسیم می‌شود؛ مرحله ازدواج، دوره حمل، مرحله تولد. در این سه مرحله اقداماتی که انجام می‌پذیرد و در ارتباط با فرزند هم تأثیر دارد، به این‌ها تمهیدات تربیتی می‌گوییم. گرچه هنوز او به حدی نرسیده که بتواند پیامی را به صورت آگاهانه دریافت کند، اما همه آن اقدامات، روی وضع تربیتی فرد و شخص مؤثر است. به این‌ها تمهیدات تربیتی می‌گویند. تمهیدات که ما می‌گوییم، تا این مرحله می‌آید. البته در مراحل بعد یعنی مراحل کودکی و نوجوانی هم، باز ما تمهیدات داریم. منتهی تمهیدات آن‌ها، در فضا سازی و چیزهای مختلفی است که وجود دارد. بنابراین شاید مناسب باشد که کودکی را از نوجوانی و این‌ها جدا کنیم. ولی چون خیلی از آن‌ها حالت اشتراک پیدا می‌کند، من جدا نمی‌کنم.

۱. اقدامات عام تربیتی

به هر حال در نگاه فقهی، اخلاقی و تربیتی اسلام، آنچه که مهم است، این است که توجه به تمهید و تربیت، هر دو شده است - به زمینه‌ها و زمینه‌سازی‌ها با مفهومی که عرض کردم - و توجه به خود تربیت و فعالیت‌های تعلیمی و تربیتی شده، آن بخش اول هم که تمهیدات باشد، از همان دوره انتخاب همسر و مسائل مربوط به ازدواج و دوره حمل و دوره تولد است. که آداب و ویژه‌ای دارد. دوره کودکی که تمهیدات ویژه‌ای دارد، بعد هم دوره نوجوانی و جوانی. که دوره نوجوانی و جوانی یعنی تمهیدات عامه تربیت که خود آن هم یک فصل مفصلی دارد. این یک نکته که بنابراین، اقدامات تربیتی به معنای عام تقسیم می‌شود به تمهیدات و فعالیت‌های ویژه تربیتی. اقدامات تربیتی به معنای عام، یعنی عملیاتی که بر اساس یک اصول و اهدافی انجام می‌پذیرد، برای تغییر در نگرش و رفتار فرد. منتهی این، تقسیم می‌شود به:

- آن‌هایی که، فرد خودش در شرائط آگاهی و شعور و این‌ها نیست و پیام را آگاهانه نمی‌گیرد و به صورت غیر- محسوس می‌شود.

- آن‌هایی که با قصد و عمد تربیتی طرف به آن توجه کند.



پس تقسیم به تمهید ما داریم، که در واقع فعالیت‌های تربیتی تقسیم می‌شود به، تمهیدات و فعالیت‌های خاص تربیتی که اصول و روش‌های خاص تربیتی است این دو قسم از تربیت به معنای عام قضیه است که برای این تقسیمات، می‌شود این رده‌بندی و مرحله‌بندی را انجام داد.

۲. تمهیدات تربیتی بالنسبه مترّبی

مطلب بعدی هم در اینجا این است که تمهیدات، - با همین دامنه وسیعی که در اینجا به آن اشاره کردیم که هر کدام محورهای زیادی هم دارد - به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

الف. عدم تَکَوُّن عقلی مترّبی

دسته‌ای که هنوز فرد و طرفی که مترّبی باشد تَکَوُّن عقلی پیدا نکرده، ولی در مرحله بعد از این، تَکَوُّن عقلی پیدا کرده منتهی یا تَکَوُّن عقلی‌اش ضعیف است یا اینکه تَفْطَن به آن اقدامی که می‌شود، ندارد. پس در درون این طیف، این تقسیم را می‌شود انجام داد:

۱. در مرحله ازدواج و قبل از حمل

یک قسم تمهید تربیتی، آن جایی است که هنوز تَکَوُّن ندارد. یک قسم تمهید تربیتی هم، این است که تَکَوُّن عقلی ندارد. قسمی که تَکَوُّن ندارد، همان مرحله ازدواج و قبل از حمل و این‌هاست

۲. در دوره ای از حمل

مرحله دیگرش این است که تَکَوُّن عقلی ندارد که دوره‌ای از حمل و این‌ها است.

ب. عدم تَفْطَن مترّبی

در مراحل بعدی تَکَوُّن عقلی را دارد، ولی تَفْطَن به این تدابیری که اندیشیده می‌شود و غیر مستقیم اثر می‌گذارد، ندارد.



جامع همه این‌ها در تمهیدات این است که تربی به صورت آگاهانه ولو آگاهانه ارتکازی انجام نمی‌شود. البته تأثیر می‌گذارد، ولی بدون اینکه او توجه داشته باشد. منتهی این یک وقتی سالبه به انتفاع موضوع یعنی در مقدمات بعیده است، یک وقتی تَکَوُّن هم پیدا کرده ولی عقلی هم شده و حتی تَکَوُّن عقلی و رشد عقلی هم پیدا کرده، ولی او خودش تَظَنُّن به این ندارد و کاملاً مورد فعل است.

۳. مرز بین تمهیدات تربیتی و تربیت

همانطور که عرض کردم در تمهیدات تربیتی، - در بیشتر موارد - تربی یا نیست و زمینه‌های پیدایشش هست و یا اگر هم هست، مورد فعل تربیتی است. یعنی خودش هیچ دریافت و آگاهی ندارد ولو به شکل ارتکازی، این یک طیفی دارد بخواهیم از این هم دقیق‌تر شویم و طیف را وسیع‌تر ببینیم، این طیف را باید از اینجا بگیریم که یک طرفش جایی است که طرف کاملاً مورد است و هیچ آگاهی و استشعاری در آن نیست، می‌آید آنجایی که فعالیت تربیتی و طرفی که تربی است دیگر مورد نیست، کاملاً فعال و آگاه است، می‌گیرد. یعنی بین دو سر طیف، مراتب وسیع و مشککه‌ای وجود دارد. از آنجایی که این دارد تَکَوُّن نطفه پیدا می‌کند، که هیچ استشعاری اصلاً نیست، کاملاً مورد است. یا دارد همسر انتخاب می‌کند که مورد هم، سخت است بگوییم.

از آن شکلی که او منفعل و مورد محض است که پذیرش با عقل و آگاهی نیست آغاز می‌شود، تا آنجایی که تربی کاملاً آگاه و مستشعر به موضوع است و با استشعار این را می‌پذیرد. این تربیت، در این دامنه وسیع قرار می‌گیرد که تا یک حدی ما می‌گوییم تمهیدات است. و از این حد بالا بیاید، تربیت می‌شود. که طرف توجه دارد و با علم و آگاهی می‌فهمد و خودش انتخاب می‌کند و اینطور نیست که مورد فعل باشد. کاملاً در پذیرش و توجه به آن فعال می‌شود. تلقین و این‌ها هم همینطور است که تلقین، خودش مراتب دارد. تلقین در جایی که کسی توجه ندارد. ولی تأثیر می‌گذارد، تا جایی که تلقین هم که می‌کنید، او با تمام توجه دریافت می‌کند.

جمع بندی

بنابراین خواستیم به طور کلی بگوییم که ما فعالیت‌های تربیتی را می‌توانیم به



- تمهیدات

- و فعالیت به معنای خاص،

تقسیم کنیم و تمهیدات را به همان معنایی که عرض کردیم. طیفی از تربی برای ما وجود دارد که از حالت تربی از این مورد محض بودن، شروع می شود و تا، آگاه کامل بودن ادامه دارد. همینطور این مراتب ادامه دارد. در کودکی مورد دارد و آرام آرام شکلی پیدا می کند که می تواند فعال شود و به سمت پذیرش آگاهانه برود. هر اقدامی که در آن فرض باشد، تمهید می شود و در آن فرض باشد، تربیت به معنای خاص می شود البته به معنای عام هم تربیت گفته می شود.

تربیت به معنی عام و خاص

لذا یکی از اصطلاحاتی که برای تربیت است این است که یک تربیت به معنای عام داریم، که شامل تمهیدات هم می شود. یک تربیت به معنای خاص داریم، که مقابل تمهیدات است. و لذا وقتی تربیت را تقسیم می کنیم، به تمهید و تربیت تقسیم می کنیم. تربیت قسم، غیر از قسم است. از این بحث تحلیلی مفهومی و نظام تقسیمی که اینجا گفتیم عبور کنیم.

به عبارتی، تربیت دو معنا دارد یک معنای عام دارد یک معنای خاص معنای عامش یعنی اقداماتی که در رفتار و شکل گیری شخصیت و رفتار شخص یا تغییر آن تأثیرگذار است اینکه مربی آن را به این جهت به کار می گیرد به این معنا آن وقت هم تمهیدات را می گیرد هم آن بخش خاص را می گیرد. اما اگر تربیت را به معنای خاص بگیریم یعنی تعاملی که بین مربی و متربی قرار می گیرد و منجر به رشد آن می شود این تعامل آگاهانه که بین آن ها برقرار می شود به آن معنا تمهیدات را نمی گیرد. حدش همین اصطلاح است واقعیت که معلوم است دو اصطلاح می گذاریم که تکلیفمان روشن شود.

۴. نقش تمهیدات تربیتی در سیستم های تربیتی

نکته مهمی که اینجا باید توجه داشت این است که تقریباً در تربیت خانوادگی و حتی تربیت های اجتماعی و سیاسی و بحث های بزرگ تر هم که می آید، در همه سیستم های تربیتی، تمهیدات تربیتی مورد توجه قرار می گیرد. یک بخشی از



تمهیدات تربیتی، در تربیت‌های اجتماعی و این‌ها، همان قوانین و مقررات اجتماعی است. یعنی قوانین و مقررات اداری و سیستم‌ها که درست باشد، عملاً روی رفتارها و نظام‌دار شدن و منظم شدن و مؤدب شدن افراد هم مؤثر است. و لذا تمهیدات تربیتی در همه سیستم‌ها و همه ساحت‌های تربیت به خصوص در ساحت تربیت خانوادگی، نقش مهمی دارد و مورد توجه غالب سیستم‌ها و مکاتب و نگاه‌های تربیتی هم، هست.

تمهیدات تربیتی ویژه اسلام

البته در اسلام به دلیل احاطه قانون‌گذار اسلام، به این تمهیدات تربیتی با یک نگاه عمیق‌تر توجه شده. نمی‌توانیم بگوییم تمهیدات تربیتی ویژه اسلام است. اصولاً تمهیدات تربیتی یک فصل مهم از سیستم‌های تربیتی است. تمهیدات تربیتی بخش مهمی از همه سیستم‌ها و مکاتب تربیتی است؛ و در اسلام دامنه و عمق آن بیشتر است. علتش این است که یک روابطی میان یک سلسله اعمال و شخصیت و آینده فرد وجود دارد که مکشوف نگاه‌های ماده‌گرایانه و سیستم‌های ماده‌گرایانه نیست و با همین فرمول‌های ظاهری اقدام می‌کنند. به هر حال آن، به یک منبعی وصل است که بهتر می‌تواند احاطه داشته باشد. به تأثیرات غیر مستقیم و مستقیمی که اقدامات مختلف، روی شکل‌گیری شخصیت دارد. از این جهت است که به آن‌ها توجه بیشتری می‌شود. در واقع به عبارت دیگر یک روابط معنوی هم وجود دارد که مورد توجه خیلی از سیستم‌ها نیست که در اسلام بیشتر مورد توجه است.

نکته بعدی هم این است که این نگاه تمهیدات تربیتی در همه سیستم‌ها وجود دارد و اینطور نیست که در اسلام باشد.

۵. عادت و تلقین

بحث عادت و تلقین هم در این می‌گنجد. عادت و تلقین یک چیزی در مرز تمهید و تربیت است چقدر ما حق داریم که به عادت و تلقین پردازیم؟ یا نداریم؟ البته این، در سیستم‌های تربیتی خیلی نقش دارد. گفتیم تمهید و تربیت یک طیف است. از جایی شروع می‌شود که تمهید محض است، تا جایی که تربیت خیلی واضح عقلایی‌گرایشی می‌شود و یک جاهایی هم حالت بینابین دارد. تلقین و عادت مثل استصحابی است که عرش‌الاصول و فرش‌الامارات است. تلقین و عادت عرش التمهیدات و فرش التریب است و حالت بینابینی دارد و البته اینکه ما از لحاظ تجویزی چه مقدار حق داریم



این کار را انجا دهیم؟ یا نداریم؟ یک نگاهی اسلام دارد و نگاه‌های دیگری هم وجود دارد. که جایی که تناسب وجود داشته باشد مفصل بحث خواهیم کرد.

۶. تمهیدات فردی و اجتماعی

نکته دیگری که اینجا وجود دارد و به نحوی در نکات قبلی هم کامل بود، ولی برجسته‌تر می‌کنم، این است که، در حوزه تمهیدات تربیتی، نظامات حقوقی و قانونی و نظامات دیگر اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، با نظام تربیتی اتصال پیدا می‌کند. در اسلام و خیلی از مکاتب دیگر هم اینطور است که ما یک نظام تربیتی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی داریم. آن وقت چون در تربیت تمهیدات وجود دارد و تمهیدات، حلقه اتصال نظامات دیگر اسلامی است با تربیت، برای اینکه این سیستم‌ها و نظامات زندگی بشر به هم متصل است و از هم گسیخته نیست. به دلیل تأثیری که نظامات روی تربیت از طریق تمهیدات می‌گذارد، از این جهت است که همه آن نظامات در واقع یک بعد تربیتی و تمهید تربیتی هم می‌تواند پیدا کند. چون نظامات زندگی بشر، نظام اعتقادی و اخلاقی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی، این نظامات فکری و معرفتی و فرهنگی، همه با آن نظام تربیتی یعنی شکل‌گیری شخصیت، داد و ستد دارد و لذا ما وقتی در تمهیدات می‌آییم مقدمه می‌شود برای تقسیم جدیدی و آن این است که این تمهیدات، بخشی تمهیدات فردی و شخصی و این‌ها است و یک بخشی هم تمهیدات اجتماعی است. یعنی در نظامات اجتماعی، ما باید اقداماتی انجام دهیم که روی تربیت اثر بگذارد و لذا این یک تقسیم دیگری در تمهیدات است که تمهیدات، گاهی تمهیدات فردی می‌شود که به وسیله مربی انجام می‌شود، گاهی تمهیدات خانوادگی می‌شود که فضای خانواده اینطور است، گاهی هم تمهیدات اجتماعی می‌شود. تمهیدات اجتماعی که می‌گوییم یعنی آن نظامات اجتماعی که روی تربیت تأثیر می‌گذارد. این همین است که گاهی دیدید، تربیت که می‌گویند، می‌روند روی نظام اجتماعی که باید این‌طور باشد و این‌طور باید تربیت شوند. آدم می‌گوید که چطور رفتیم به بحث‌های دیگر، ما در همه آن بحث‌های دیگر یعنی اقتصاد این‌ها، یعنی برای اینکه شخص تربیت شود، مثلاً اقتصاد آزاد و خصوصی و عمومی است و تنظیماتش چه طور است؟ همه این‌ها، حتماً یا حداقل این است که می‌تواند این ساخت‌ها و بافت‌ها و نظامات اقتصادی، یک تأثیری روی این پرورش افراد و شکل‌گیری افراد از نظر خلق و خو و ویژگی‌های شخصیتی‌شان داشته باشد. در همه آن‌ها اگر توجه به این بُعد کنیم، در واقع



تمهیدات تربیتی می‌شود. یعنی چیزهایی که افراد هم، در جامعه توجه به این ندارند. ولی آن کسی که نظام اقتصادی را طراحی و تدبیر می‌کند، اینطور است. یا مثلاً نظام معماری، نظام معماری همین است. نظام معماری نوعی است که مدرسه را اینطور بسازد و آن‌طور بسازد. روی نوع تربیت و شکل‌گیری تربیت تأثیر دارد. ولی تأثیر غیر مستقیمی است، که در یک فضا انجام نمی‌شود و خیلی وقت‌ها با آگاهی طرف هم نیست. این یک فعالیتی است که با آن هم مرتبط است و تأثیر دارد و از این جهت که همه نظامات اجتماعی و فراتر از اجتماعی مثل ساخت و ساز و اینها، می‌تواند یک نوع نگاه تربیتی و تمهید تربیتی در آن وجود داشته باشد.

۷. تأثیر نظامات مختلف در تمهیدات تربیتی

یک مطلب دیگر هم در تمهیدات است که خیلی بحث مهمی است که هم نظام خانوادگی و هم نظام اجتماعی می‌تواند به عنوان یک ممهدات جهت‌گیری تربیتی خاص، بشود و قابل دقت و اهمیت است. این همان چیزی است که در این تعبیری که گاهی گفته می‌شود که پیوست فرهنگی به یک چیزی بخورد، در واقع همه نظامات می‌تواند یک نوع پیوست تربیتی داشته باشد و یک نوع تمهید تربیتی داشته باشد. این‌ها ممکن است در حدی نباشد که بتوانیم بگوییم یک نوع فعالیت تربیتی به معنای خاص است. ولی تمهیداتی است که گاهی هم خیلی مؤثر و مفید و مهم است. در طرف اثبات یا نفی، ایجاب یا سلب می‌تواند این‌ها تأثیرات عمیق و شگرفی داشته باشد. مثلاً معماری، اینکه اتاق روشن یا تاریک باشد، نور از چه طرف بتابد، ورودی و خروجی چطور باشد، این‌ها همه روی شکل‌گیری شخصیت بچه اثر دارد. یا اینکه شکل قدیم مدارس که یک نوع اشراف به هم داشته، این‌ها همه طوری بوده که این زمینه‌ای بوده برای اینکه تربیت شکل بگیرد؛ و لذا نظامات اجتماعی و اینها می‌تواند تأثیرات غیرمستقیم در تربیت و شکل‌گیری شخصیت داشته باشد. و می‌شود این‌ها را طوری تنظیم کرد که به این سمت برد یا به آن سمت برد. اینکه می‌گوییم در همه نظامات است. نظامات خورد و خوراک و پوشاک، مسکن، معماری، رانندگی، قوانین و مقررات اجتماعی است و نظام سیاسی و اقتصادی و این‌ها همه می‌تواند به عنوان ممهدات تربیت مورد توجه قرار بگیرد؛ و لذا این هم یک مقوله مهمی است.



۸. تقسیمات تمهیدات تربیتی

یک مطلب دیگر این است که این تمهیدات که ما می‌گوییم دو نوع است:

- گاهی محض در تمهید است.

- گاهی مشترک بین تمهید و یک هدف دیگر است.

یک وقتی است که یک کاری انجام شده است، مثلاً اذان در گوش بچه ممکن است بگوییم ممکن است بگوئیم نقشش، فقط نقش تربیتی است ولی عقیقه ممکن است نگاه تربیتی در آن باشد ولی آثار دیگری دارد جانش سالم می‌ماند و بلاها از او دور می‌شود و ثواب و برکت ذاتی برای کسی دارد که عقیقه می‌کند. تمهیدات هم، در چیزهای اجتماعی و هم در چیزهای خاص دینی، می‌تواند این‌طور باشد.

گاهی فعالیت فقط برای این است که وجه غالبش این است که شخصیت را این‌طور متکون می‌کند و شکل می‌دهد، مثلاً اذان و اقامه بیشتر این‌طور به ذهن می‌آید.

ولی گاهی وجه غالبش این نیست. این هم وجهی در او است ولی آثار دیگری دارد. خودش تکلیف ذاتی است که باید به آن عمل کنند و برکاتی برای خودش دارد و امثال این، آن وقت در این مصادیق مثلاً آداب بعد از ولادت را ببینید، یک طیفی دارد. اینجا هم باز همین طیف است.

آن اقدامات تمهیدی که انجام می‌شود، گاهی محض تأثیر گذاری در تربی است و هیچ فلسفه جزئی ندارد. گاهی فلسفه دارد. ولی وجه غالبش این است. گاهی دو سه وجه پیدا می‌کند؛ و همین‌طور می‌آید تا وجه تربیتی که شاید نباشد یا خیلی مغلوب است. در این چیزهای دینی هم که می‌آید بعضی ممکن است که این‌طور باشد که بگوئید یک کاری انجام بده ولی خودش ثواب می‌برد، معلوم نیست که در او تأثیری داشته باشد یا آن تأثیرش کم است. گاهی هم حالت تلفیقی دارد. البته غالباً حالت تلفیقی دارد، که یکی ترجیح پیدا می‌کند یا مرجوح می‌شود.



در اقدامات و تمهیدات اجتماعی یا کلان تربیتی هم همینطور است. گاهی حکومت یا جمعی یک کاری می‌کنند فقط برای اینکه افراد را به این سمت ببرند. ولی گاهی کار روی فلسفه دیگری انجام می‌شود ولی در دل آن، این نگاه هم اشراب شده. یعنی دو وجهین است که آن وقت در جاهایی که در دل یک اهداف دیگر این نگاه اشراب شود، آن وقت خیلی ظریف و حساس می‌شود و در همه جا می‌شود، به آن توجه کرد؛ و لذا تمهیدات از یک جهت دیگر می‌شود بگوئیم، تمهیدات محض است که فقط تمهید تربیت است. ولی گاهی تمهید تربیت، یک جهت آن است و جهات دیگری هم دارد. الان همین عناوینی که در تسمیه و چیزهای دیگر می‌آوردیم، این‌ها یک بعد وظائفی دارد که در هنگام نکاح حمل و ولادت خوب است رعایت شود. همه آن‌ها هم از نگاه و منظر اینکه یک نوع تمهید تربیتی است، می‌شود اینجا آورد. دو بعد دارد. می‌شود آنجا آورد و می‌شود اینجا آورد. ما اینجا تسمیه‌اش را آوردیم؛ و از خیلی چیزها هم عبور می‌کنیم چون در کتاب نکاح بحث شده است.

در واقع فعالیت تمهیدی که شما انجام می‌دهید، ممکن است که در شکل‌گیری آینده مؤثر باشد. ممکن است الان هم باید نسبت به او انجام بگیرد و او از آن بهره‌ای می‌برد. مثلاً نفقه دادن چیزی است که باید از آن بهره‌ای ببرد ولی همان هم، عملاً یک نقشی در این دارد که او خوب تربیت شود و احساس محبت کند و این هم در تمهیدات تربیتی درست است. به نظر می‌آید که در همه می‌شود این نگاه را داشت.

در تنظیمات زندگی، غالباً اینطور است که می‌شود اینطور تنظیم کرد یا آنطور، به عبارت دیگر همه نظامات اجتماعی، به نحوی فرهنگی است. اسلام حتماً این کار را کرده است، هر جایی که دخالت داشته اعمال کرده، منتهی در حد واجب یا مستحب یا مکروه یا حرام. چون گفتیم تمهیدات ما فردی است و تمهیدات محدود و کلان داریم، این تمهیدات بحث دیگری است. تا آنجا که شارع قانون‌گذاری می‌کند حتماً چیزهایی که در آن مؤثر بوده دخالت داده یا به نحو وجوب و استحباب یا به نحو حرمت و کراهت و آن چیزی را که به ما واگذار کرده، در حوزه منطقه الفراغ و حوزه تقنینات عرفی یا ولایی است. آن وقت چقدر لازم است که ما این را رعایت کنیم؟ این یک بحث فقهی می‌شود که در قانون‌گذاری‌ها، شما آن جهات شخصیتی و اخلاقی و تربیتی را در طراحی همه و قانون‌گذاری و اقدامات عملی‌تان آن را در نظر بگیرید. علی‌القاعده عقل می‌گوید این کار راجح است، برای شرع هم می‌شود، دلیل پیدا کرد. همین سنت‌ها و قوانین و



مقررات است که در هدایت اشخاص تأثیر می‌گذارد ولو تأثیر به صورت فی الجمله. این‌ها همه مستحسن می‌شود. ممکن است به یک حدی برسد که واجب است؛ و لذا حکم فقهی این است که هر نوع نظام‌سازی و تمهیدات تربیتی که به دست خود بشر سپرده شده، طبق فقه، در همه آن‌ها راجح و مستحسن است که یک رویکرد تربیتی داشته باشد. یک جاهایی هم ممکن است به حد وجوب برسد. غیر از مستحبات ویژه ساختمان‌سازی است. معماری یک مستحباتی در مسکن و معماری و ساخت و ساز دارد که در اسلام آمده یک بخشی از آن‌ها محض در تمهید تربیت است، بعضی هم فلسفه‌های دیگر دارد، یکی هم این است که مقرراتی که در خود فقه درباره وجوب یا استحباب حرمت یا کراهت راجع به مسکن آمده یا راجع به تغذیه آمده هر جایی هم که نیامده، شده جزء حوزه منطقه الفراغ و مباحات. دقت کن که اگر یک تأثیری دارد، - با یک عنوان کلی می‌گویند - رویکرد تربیتی و اخلاقی را در آن اعمال کن. ولی ممکن است آن، متغیر هم باشد و متفاوت هم باشد و استحسان و استحباب دارد. آنچه که لازم می‌دانسته و مهم بوده و متغیر نبوده، گفته است آنچه که در آن حد نیست یا متغیر است، به خودش واگذار کرده. ولی کلی‌اش این است که اگر می‌بینی تأثیر دارد، خوب است که رعایت کنید.